پاسخ سید با استدلال مشهور

در اینجا سه-چهار روایت آورده‌اند. اولین آنها صحیحه هارون بن خارجه است. من روایت را به این دلیل خواندم که وقتی مرحوم سید عبارت را شروع می‌کنند ذهن آدم سراغ اول ماه و آخر ماه می‌رود. درحالی‌که منظور از عبارت این نیست. عبارت این است:

> **و عن الخامس بالمنع من دلالة الأخبار المذكورة على الصوم و الإفطار إن لم تتحقّق الرؤية في الليل. و إنّما تدلّ على الحكم بأحدهما مع التغيّم و حصول الاشتباه و المراد حصول الغيم في وقت اعتبار الرؤية، و منه ما قبل الزوال على هذا القول، فيكون المفروض حصول الغيم هناك أيضا.**
> **و لو سلّم أنّ المراد حصول الغيم و الاشتباه في الليل، فإنّما يدلّ على عدم اعتبار الرؤية قبل الزوال من جهة الإطلاق، فلا يعارض ما دلّ على اعتبار الرؤية المذكورة بخصوصه، بل و يجب تقييد الإطلاق به؛ حملا للمطلق على المقيّد، جمعا بين الأخبار. [1]**

«و عن الخامس بالمنع من دلالة الأخبار المذكورة على الصوم و الإفطار»؛ اگر آدم دایش نباشد که حدیث چه بود، می‌گوید یعنی صوم اول ماه و افطار عید فطر. درحالی‌که منظور این نیست. «علی الصوم و الافطار» در روز اول ماه. یعنی اگر ابر بود، اصبح صائما. همان روز اگر صاف بود، اصبح مفطرا.

خُب دلالت اخبار مذکوره بر صوم روز اول و افطار روز اول به چه صورت است؟ «و إن لم تتحقّق الرؤية في الليل»؛ دو نسخه ای که در کتابخانه مجلس از مصابیح علامه طباطبائی هست، یک نسخه واو ندارد. شاید نسخه ای بود که جلوتر بود. اما یکی از نسخه‌ها واو دارد. نسخه ۱۶۳۳۳ واو ندارد اما نسخه ۱۶۴۱۳ واو دارد. ظاهراً در اینجا واو نمی‌خواهد. واو معنا را خراب می‌کند. لذا این واو را حتماً حذف کنید. آن استاد وقتی می‌خواستند کتابها را تصحیح کنند این تعبیر را داشتند؛ چه اساتیدی! رحمة الله علیه! غیر از این که اسفار می‌گفتند و بحث‌های علمی را مطرح می‌کردند در تصحیح عبارت کتاب هم دقت داشتند. در نمی‌شدند. بعداً هم می‌گفتند کتابتان غلط است، حتماً خط بزنید. می‌گفتند عاشق کتابتان نباشید! بگویید طبع شده پس دیگر نباید خط زد! نه، دست ببرید و حتماً خط بزنید.

علی ای حال در اینجا این واو لازم نیست. مطلب خراب می‌شود. «بالمنع من دلالة الأخبار المذكورة على الصوم و الإفطار إن لم تتحقّق الرؤية في الليل»؛ تأکید عبارت روی «لم» نیست، روی «فی اللیل» است. منع می‌کنیم که «فی اللیل» باشد. منع می‌کنیم که حتماً باید فی اللیل باشد.

بنابراین منع است در اینکه اخبار بگوید اگر رؤیت فی اللیل نبود اصبح صائما. نه، اگر رؤیت نبود؛ رؤیتی فی اللیل یا رویتی قبل از زوال. می‌گوییم خُب روایت می‌خواهد چه بگوید؟ روایت فقط می‌خواهد اشتباه را برفرماید. اگر مظنه اشتباه و تغیم است؛ اگر ابر در کار است، شما روزه را بگیر. اما اگر ابر در کار نیست نگیر.

ظهور روایت در احتیاط عند الغیم و عدم آن عند الصحو

خُب خود این روایت پنجم، کالشمس علی المنار نیست که دارند احتیاط را می‌فرمایند؟! یعنی کجا می‌گویند اگر ابر بود تکلیف وجوبی می‌شود؟! خود این روایات می‌گویند احتیاط است. وقتی رنگ «اصبح صائما» احتیاط است، «افطر» یعنی فقدان آن درجه احتیاط. آن احتیاطی که آن جا بود، اینجا نیست؛ «اصبح مفطرا» به ازاء آن «اصبح صائما» که احتیاط در صوم است، این هم افطاری است که موضوع آن احتیاط نیست. خیلی روشن است.

ولی خُب چون مشهور از این روایت استفاده کرده‌اند، سید به این صورت جواب می‌دهند:

«و إنّما تدلّ علی الحكم بأحدهما مع التغيّم و حصول الاشتباه»؛ اگر تغیم و اشتباه شد صوم است، اگر نشد افطار. **«و المراد حصول الغيم في وقت اعتبار الرؤية»؛** هر وقت رؤیت معتبر است. روایات قبل از زوال می‌فرمایند رؤیت قبل از زوال هم معتبر است.

«و منه ما قبل الزوال علی هذا القول»؛ مختار سید، **«فيكون المفروض حصول الغيم هناك أيضا»؛** اگر قبل از زوال هم ابر بود، باز روایت آن را می‌گیرد. چون ابر است، قبل از زوال هم که وقت رؤیت است، روزه را بگیر. این فرمایش سید است. ولی این بیان با لسان روایات که «**اصبح** » داشت، دور است.

«و لو سلّم أنّ المراد حصول الغيم و الاشتباه في الليل فإنّما يدلّ علی عدم اعتبار الرؤية قبل الزوال من جهة الإطلاق»؛ اطلاقش آن را می‌گیرد و روایت قبل از زوال آن را تقیید می‌کند. **«فلا يعارض ما دلّ علی اعتبار الرؤية المذكورة بخصوصه، بل و يجب تقييد الإطلاق به»؛** تقیید روایات «اصبح مفطرا». اگر دیشب صاف بود، اصبح مفطرا مطلقاً. اما این روایات می‌گویند اگر قبل از زوال دیدی باید روزه بگیری، لذا آن را تقیید کرده‌اند. **«حمل للمطلق علی المقيّد، جمعا بين الأخبار».**

شاگرد: اصلاً این روایت اطلاق دارد؟ اصلاً در صدد بیان قبل از زوال نیست.

استاد: اگر می‌خواهید همین احتیاطی که من عرض کردم را بگویید، قبول است. یعنی روایت نمی‌خواهد بگوید «اصبح مفطرا» یعنی حالا دیگر فردا صبح احتیاط در صوم بالکلیه منتفی است و نامشروع است.

شاگرد۲: مقصودشان بحث دیروز است. یعنی این رؤیت ها اینطور نیست که ناظر به همه افراد باشد، بلکه رؤیت متعارفی که اصل را بیان می‌کند مد نظر است. نه اینکه بخواهد بقیه رؤیت ها را معلوم کند. یعنی «صم للرؤیه» آیا ناظر به همه موارد قبل از زوال و بعد از زوال هست؟ یا اینکه کلاً آن را می‌گوید؟

استاد: اینجا یک تفاوتی با آن جا دارد.

---

[1] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 4 آوریل 2026 12:24:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 آوریل 2026 12:30:08 توسط ... .